اگر او دختر همسرم نبود و تحت سرپرستی ام قرار نداشت، باز هم برایم حلال نبود چرا که برادر زاده ی رضاعی ام می باشد. من و ابوسلمه را ثویبه شیر داده است. پس دختران و خواهران تان را به من پیشنهاد نکنید.

از ام حبیبه دختر ابوسفیان رضی الله عنهما روایت است که می گوید: گفتم: ای رسول خدا، با خواهرم دختر ابوسفیان ازدواج کن. فرمود: «أَوَتُحِبِّينَ ذَلِكِ؟»: «آیا تو این کار را دوست داری؟» گفتم: بلی، چرا که من تنها و بدون هوو نیستم و محبوب ترین کسی که دوست دارم در خیری با من شریك شود، خواهرم می باشد. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّ ذَلِكِ لا يَحِلُّ لِي»: «این کار برای من حلال نیست». گفتم: مردم می گویند: شما می خواهید با دختر ام سلمه ازدواج کنید. فرمود: «بِنْتَ أُمِّ سَلَمَةَ؟»: «دختر ام سلمه؟!» گفتم: بله. فرمود: «إِنَّهَا لَوْ لَمْ تَكُنْ رَبِيبَتِي فِي حَجْرِي، مَا حَلَّتْ لِي، إِنَّهَا لابْنَةُ أَخِي مِنَ الرَّضَاعَةِ، أَرْضَعَتْنِي وَأَبَا سَلَمَةَ ثُوَيْبَةُ، فَلا تَعْرِضْنَ عَلَيَّ بَنَاتِكُنَّ وَلا أَخَوَاتِكُنَّ»: «اگر او دختر همسرم نبود و تحت سرپرستی ام قرار نداشت، باز هم برایم حلال نبود چرا که برادر زاده ی رضاعی ام می باشد. من و ابوسلمه را ثویبه شیر داده است. پس دختران و خواهران تان را به من پیشنهاد نکنید». عروه می گوید: ثویبه کنیز ابولهب بود که او را آزاد کرده بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم را شیر داده بود؛ زمانی که ابولهب مرد، یکی از بستگانش او را در وضعیت بسیار بدی در خواب دید که به ابولهب گفت: چه دیدی؟ ابولهب گفت: بعد از شما خیری ندیدم جز اینکه به خاطر آزاد کردن ثویبه، آب بسیار اندکی به من داده شد.

[صحیح است] [متفق علیه]

ام حبیبه دختر ابوسفیان یکی از امهات المومنین می باشد که از ازدواج با رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیار خرسند و سعادتمند گردید؛ ایشان از رسول الله صلی الله علیه وسلم می خواهد که با خواهرش ازدواج کند؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم از این مساله تعجب می کند که چگونه وی خود درخواست هوو می کند؛ چون معمولا زنان در این زمینه بسیار حساس هستند. بنابراین از روی تعجب سوال می کند: آیا دوست داری این اتفاق بیفتد؟ و ام حبیبه می گوید: بله دوست دارم این اتفاق بیفتد. سپس علت رضایت خود از این کار را شرح می دهد و آن اینکه: به هرحال هووهایی دارد و تنها همسر پیامبر نیست، لذا دوست دارد خواهرش در این خیر بزرگ با او شریک باشد. گویا نمی داند که ازدواج با دو خواهر، همزمان و در یک وقت و در اصطلاح جمع بین دو خواهر حرام است. به همین دلیل رسول الله صلی الله علیه وسلم به وی خبر می دهد که خواهرش برای او حلال نیست. سپس ام المومنین ام حبیبه به ایشان خبر می دهد که در میان مردم سخن از ازدواج پیامبر با دختر ابوسلمه است؛ بنابراین از ام حبیبه سوال می کند که آیا واقعا چنین است؟ که پاسخ وی مثبت می باشد. بنابراین جهت دروغ بودن این شایعه می فرماید: دختر ام سلمه به دو دلیل برای من حلال نیست؛ 1- وی ربیبه ی من است که در خانه ام به امور او رسیدگی می کنم و دختر همسرم می باشد. 2- او دختر برادر رضاعی ام می باشد؛ چراکه ثویبه - کنیز آزاد شده ی ابولهب - من و پدر او ابوسلمه را شیر داده است. و به این ترتیب من عموی رضاعی او هستم. بنابراین دختران و خواهران تان را برای ازدواج به من پیشنهاد نکنید که من خود به تدبیر امورم در این زمینه آگاه ترم.